

#### هشدار سرلشکر رضایی به امارات میزبانی از قصاب غزه عواقب خوبی نخواهد داشت

دبیر شورای عالی امنیت ملی در واکنش به سفر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به امارات هشدار داد «عواقب خوبی ندارد». به گزارش تسنیم، سرلشکر محسن رضایی در واکنش به سفر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به امارات بر برنامه ایکس نوشت: همان‌طور که میزبانی پایگاه‌های نظامی آمریکا برای شما امنیت به ارمغان نیآورد، میزبانی از «قصاب غزه» نیز عواقب خوبی نخواهد داشت.وی تأکید کرد: از جنگ اخیر درس بگیرید، از آغاز جنگ دست بردارید و از طرح ادعاهای بی‌اساس دربار ایران خودداری کنید!

#### قالبیاف در پاسخ به گستاخی اخیر بسنت فرمول اقتصادی جدیدی منتشر کرد

رئیس مجلس شورای اسلامی در واکنشش به وزیر تروریست خزانه‌داری آمریکا از اهرم‌های فشار ایران بر اقتصاد آمریکا و مشکلات خزانه‌داری این کشور گفت. به گزارش تسنیم، محمدباقر قالیباف در پاسخ به لفاظی‌های اخیر اسکاٲ بسنت که مدعی فروپاشی اقتصاد ایران ظرف ۲ هفته آینده شده، توضیحاتی درباره اهرم‌های فشار ایران بر اقتصاد آمریکا ارائه کرد. وی در پست خود در حساب شخصی‌اش در شبکه ایکس در شرح وضعیت شکننده بسنت نوشت: دولت آمریکا در گذشته وام‌های زیادی را نرخ بهره نزدیک به صفر گرفته بود. حالا موعد پرداخت این وام‌ها رسیده و دولت مجبور است برای تسویه آنها، دوباره وام‌های جدید با نرخ بهره بسیار بالاتر بگیرد. از طرفی تاون و ظرفیت مثال خریداران بزرگ اوراق قرضه آمریکا (مانند چین و ژاپن) علاقه کمتری به خرید اوراق جدید یا نگه داشتن اوراق قبل نشان می‌دهند و به همین دلیل نرخ بازده اوراق رو به افزایش است. قالیباف به بسنت گوشزد کرد: نقش ایران در بسنت نگه داشتن تنگه هرمز و بالا نگه داشتن قیمت انرژی، همچنین اثرگذاری بر افزایش بازده اوراق قرضه، خزانه‌دار آمریکا را با بحران فرآینده روبه‌رو کرده و تمام درسرهای او را تشدید ساخته است؛ به عبارتی آمریکایی‌ها تا حل این مسائل از طریق احترام به حقوق ملت ایران، توان غلبه بر این مشکلات اقتصادی را نخواهند داشت. نرخ بهره اوراق ۳۰ ساله دولت آمریکا روز گذشته به بالاترین رخ از سال ۲۰۰۲ رسید و با روند فعلی احتمال برگشت به نرخ‌های سال‌های دهه ۱۹۹۰ و قبل نیز وجود دارد. قالیباف همچنین در پست خود از تصویر «بویدر زرووس» مشاور جدید بسنت که روز گذشته منصوب شد هم استفاده کرد. او به زن حرف‌های عجیب و غریب معروف است. برای مثال، او سال‌ها پیش ادعا کرده بود از اصلاح موی سر و صورت خود، تا زامن کاهش نرخ بهره توسط فدرال رزرو پرهیز خواهد کرد! انتصاب زرووس به عنوان مشاور بسنت، دستمایه طنز و استهزا توسط فعالان بازارهای مالی شده است.

#### حجت‌الاسلام طائب: دشمن پیش از حمله نظامی به دنبال فروپاشی ذهنی جامعه است

رئیس سازمان بسیج اظهار کرد: اهالی رسانه با روایت جنایات جنگ، واقعیت‌ها را برای افکار عمومی جهان به تصویر بکشند به گزارش تسنیم، حجت‌الاسلام والمصلین حسین طائب در اختتامیه یازدهمین جشنواره ابوذر در سخنانی بیان کرد: اهالی رسانه باید در مسیر ابوذر غفاری حرکت کنند و با انعکاس واقعیت‌ها و ظلم ظالمان، در مقابله با ظلم گام برارند. وی افزود: امروز رقابت اصلی در جهان بر سر تصرف ذهن‌ها و قلب‌هاست و نظام سلطه تلاش می‌کند با استفاده از ابزارهای جنگ تر کبیی، سرزمین‌ها، منافع و سرمایه‌ملتها و فضای حاکم بر اندهان مردم را تحت تأثیر قرار دهد. رئیس سازمان بسیج ادامه داد: مقدمه جنگ نظامی، فروپاشی ذهنی است؛ دشمن ابتدا تلاش می‌کند اندهان را تسخیر و تصویر انسان‌ها از واقعیت‌ها را تغییر دهد و پس از سست کردن آنها، حمله کند. طائب اظهار کرد: جنگ اخیر و پیروزی ملت ایران در برابر ۲ قدرت منطقه و جهان، مقدمه فروپاشی آمریکا و اسرائیل در اندهان مردم جهان را فراهم کرد. اصحاب رسانه و خبرنگاران باید کمر همت ببندند و با روایت جنایات جنگ، واقعیت‌ها را برای افکار عمومی جهان به تصویر بکشند. وی ادامه داد: در این جنگ، تصویری که آمریکا و اسرائیل از خود به جهان ارائه کردند، با ادعاهای آنها درباره انسانیت و حقوق بشر در تعارض قرار گرفته. حمله به کودکان و ریختن بمب بر سر بیش از ۱۶۰ کودک، بخشی از جنایاتی است که باید برای جهانیان روایت شود. رئیس سازمان بسیج خاطر‌نشان کرد: تصویری که در جنگ شکل گرفته پاک‌شدنی نیست و به بلندی تاریخ ادامه پیدا خواهد کرد؛ روزه‌به‌روز نیز بر تعداد فریم‌های آن افزوده می‌شود. امروز این تصاویر در خود آمریکا، حاکم آن کشور و به پاسخگویی واداشته و دانشجویان دانشگاه‌های بزرگ آمریکا درباره سرنوشت حقوق بشر و بمباران مدارس سؤال می‌کنند. طائب عنوان کرد: همان‌طور که در جنگ نظامی لانچر، شهرک موشکی و نیروی انسانی وجود دارد، در جنگ روایت‌ها نیز رسانه و خبرنگار نقش همان شهرک موشکی را ایفا می‌کنند. وی گفت: ابزارهای تبلیغی از عکس و فیلم گرفته تا تیر خبر و گزارش، تبدیل به تکنک موشک‌ها می‌شوند. اگر بتوانیم با تیر، گزارش و تصویر خوب، جنایات آمریکایی‌ها و اسرائیل را برای مردم آاده جهان به تصویر بکشیم و ادراک‌سازی کنیم، شتاب‌دهنده فروپاشی آمریکا خواهیم شد. رئیس سازمان بسیج اضافه کرد: همان‌طور که شلیک‌کننده موشک در میدان نبرد وجود دارد، اینجا خبرنگار و اصحاب رسانه باید پای رسانه بایستند و در تصویرسازی از جنایات آمریکا و اسرائیل به اوج این جنایات شلیک کنند. جنگ ممکن است ۴۰ یا ۱۰۰ روز طول بکشد و تمام شود اما روایت جنگ باقی می‌ماند؛ رسانه باید ابعاد جنگ را درست تصویر کند تا دشمن نتواند شیطان را فرشته و فرشته را شیطان معرفی کند. این وظیفه رسانه است که روایت صحیح جنگ را برای افکار عمومی به تصویر بکشد.

#### چگونه ثبت‌نام میلیونی مدافعان وطن، توهم ۱۰ ساله اتاق‌های جنگ روانی دشمن درباره «گسست حاکمیت از ملت» را باطل کرد؟

# غیرت ملی در میدان دفاع میهنی

چند دهه، مانیتورهای اتاق‌های فرماندهی جنگ شناختی در واشنگتن، لندن و تل آویو، تصویری یکدست و وسوسه‌انگیز از جغرافیای اجتماعی ایران مخایره می‌کردند: جامعه‌ای فرسوده از تحریم، متلاشی‌شده از تعارض‌های نسل، بریده از آرمان‌های انقلاب و آماده برای فروپاشی با اولین تکانه‌های خارجی. بر اساس القائات و برآوردهای موسسات پژوهشی غرب، عقبه اجتماعی نظام اسلامی به اقلیتی محصور تقلیل یافته بود و اینگونه نتیجه‌گیری می‌شد که یک ضربه نظامی سنگین یا تشدید فشار امنیتی، خط گسست میان «حاکمیت» و «ملت» را به یک دره عمیق و غیرقابل ترمیم بدل خواهد کرد؛ در‌ای که دولت در یک سوی آن بی‌پناه خواهد ماند و جامعه در سوی دیگر، نظاره‌گر یا حتی مشوق سقوط آن خواهد بود.

اما تاریخ، به تعبیر حکیمانه پیام اخیر حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، همواره در محاسبات ریاضی‌محور و سطحی استیکار تجلی نمی‌کند. هتنگی که سوت نبردهای تحمیلی اخیر به صدا در آمد و تمامیت ارضی، عزت سرزمینی و استقلال این مرزومور در معرض طمع مستقیم متخاصمان قرار گرفت، ناگهان واقعه‌ای رخ داد که در هیچ‌یک از سرورهای اطلاعاتی پنتاگون پیش‌بینی نشده بود؛ ثبت اعلام آمادگی ۳۰ میلیون ایرانی برای جانفدایی، تکمیل ظرفیت نیم‌میلیون نفری یگان‌های رزمی تنها در ۱۰۰ دقیقه نخست و سرریز شدن خیابان‌ها از توده‌های متکثر و متفاوتی که ۷ ماه مداوم، سپری نفوذناپذیر از اراده ملی را به نمایش گذاشت. این رویداد، یک تکانش پدیدارشناختی بود؛ لحظه‌ای تاریخی که در آن، جامعه ایران پوست انداخت، توهم چند دهه‌ای اتاق‌های عملیات روانی را منهدم کرد و حقیقت ناپیدی روح جمعی خود را به رخ جهان کشید.

■ چرا غرب روح ایرانی را نمی‌شناسد؟  
 علت ریشه‌ای شکست‌های مکرر غرب در شناخت رفتار جمعی ایرانیان، اتکای آنان به نوعی جامعه‌شناسی پوسته‌ای و سطحی است. تحلیلگران غربی و دنباله‌روهای داخلی‌شان، اصطکاک‌های طبیعی روزمر، شکاف‌های نسل‌ی در سبک زندگی، نارضایتی‌های برحق معیشتی و نقد‌های تند ساختاری را به معنای «مادگی برای تسلیم یا اشتیاق به استثمار نوین» تفسیر کردند. آنان متوجه نشدند جامعه ایران در زیست روزمره خود ممکن است معترض، منتقد و دچار کشمکش‌های درونی پیرامون شیوه‌های اداره کشور باشد اما این تعارض‌ها ماهیتی «درون‌خانوادگی» دارد.

در دستگاه معرفتی انسان ایرانی، میان «عتراض به شیوه تدبیر خانه» و «اجازه‌دادن به بیگانه برای آتش زدن خانه» دیواری به بلندی ۳ هزار سال حافظه تاریخی و قرن‌ها غیرت عاشورایی وجود دارد.

خطای بزرگ دشمن این بود که تصور می‌کرد انسان ایرانی که به تورم، دیوان‌سالاری یا سیاست‌های فرهنگی انتقاد دارد، با دبدبن چنگکنده‌های دشمن، پشت خاکریز حاکمیت را خالی می‌کند اما واقعیت میدانی نشان داد در لحظه بحران، تمام آن اصطکاک‌ها در حرارت غریزه صیالت ملی ذوب می‌شود، تکثر سبک‌های زیست و تفاوت‌های پوششی و سلیقه‌ای، نه شکاف‌های گسست، بلکه شاخه‌های متنوع درختی کهن بودند که ریشه‌شان در خاکی واحد تنیده شده است. آنان که می‌پنداشتند جامعه دیگر برای پرچم جان نمی‌دهد، با صحنه‌هایی مواجه شدند که در آن، متفاوت‌ترین اقشار اجتماعی با قاطعیت بر حاکمیت ایران بر شاه‌گر‌های حیاتی نظیر تنگه هرمز پای فشردند و خاکریز را به جولانگاه اراده خود بدل کردند.

■ **ظهور «وضعیت استثنایی» و جهش از توده منفرد به سوزه تاریخی**

برای فهم این دگرگونی عظیم، باید از نظریه‌های مرسوم روابط عمومی عبور کرد و به فلسفه سیاسی پناه برد. در شرایط عادی، جامعه سرمایه‌داری و جهان مدرن تمایل دارد انسان‌ها را به اتم‌های منفرد، مصرف‌کنندگانی در جست‌وجوی لذت برای فهم این دگرگونی عظیم، باید از نظریه‌های مرسوم روابط عمومی عبور کرد و به فلسفه سیاسی پناه برد. در شرایط عادی، جامعه سرمایه‌داری و جهان مدرن تمایل دارد انسان‌ها را به اتم‌های منفرد، مصرف‌کنندگانی در جست‌وجوی لذت

تغییر «هوش مصنوعی» به «برهوش» البته به خودی خود به معنای سلطه فناوری بر انسان نیست، آنچه از منظر آینده‌پژوهی اهمیت دارد، «همنشینی تغییر زبان با تغییر سیاست، بودجه، فناوری و نهاد» است. هتنگی که تغییر واژگانی با توسعه قابلیت‌های فناوریانه، گسترش اختیارات اجرایی، ادغام سامانه‌های هوشمند در خدمات عمومی و امنیتی و کاهش موانع نظارتی همراه شود، نگاه واژه جدید می‌تواند به بخشی از مسیر تغییر نهادی تبدیل شود.

حتی نهادهای فنی آمریکانی‌ز پذیرفته‌اند توسعه‌هوش مصنوعی باید با مدیریت ریسک‌های مؤثر بر افراد، سازمان‌ها و جامعه همراه باشد. مؤسسه ملی استاندارد و فناوری آمریکا در چارچوب مدیریت ریسک هوش مصنوعی خود بر قابلیت اعتماد، امنیت، تاب‌آوری، پاسخگویی، شفافیت، توضیح‌پذیری، حریم خصوصی و مدیریت سوگیری تأکید کرده است. همین مساله نشان می‌دهد

شخصی و افرادی غرق در منافع فردی تقلیل دهد اما به محض آنکه سایه یک تهدید نابودگر و موجودیتی بر سر یک ملت می‌افتد، جامعه وارد «وضعیت استثنایی» می‌شود. در این وضعیت، انسان ایرانی از پبله «من فردی» خارج شده و به مقام «ما به مثابه سوزه تاریخی» ارتقا می‌یابد. جامعه دردی می‌یابد مساله دیگر جناح‌بندی‌های سیاسی، صف‌کشی‌های جناحی یا رقابت‌های اقتصادی نیست و پای حیثیتی کلان‌تر در میان است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با دقتی موشکافانه به این نکته اشاره دارند که آنگاه که احساس خطر تمدنی شکل می‌گیرد، جامعه خصلت «قفتوس» پیدا می‌کند. این همان رازی است که باعث شد در ۱۰۰ دقیقه نخست، نیم میلیون انسان از تمام تعلقات دنیوی و محاسبات رفاه‌طلبانه عبور کرده و نام خود را در زمره فداییان صفا اول ثبت کنند. این سرعت حیرت‌انگیز در پاسخ به ندای جهاد، فدایی‌های خاکی، پشت خاکریز حاکمیت را خالی می‌کند اما واقعیت میدانی نشان داد در لحظه بحران، تمام آن اصطکاک‌ها در حرارت غریزه صیالت ملی ذوب می‌شود، تکثر سبک‌های زیست و تفاوت‌های پوششی و سلیقه‌ای، نه شکاف‌های گسست، بلکه شاخه‌های متنوع درختی کهن بودند که ریشه‌شان در خاکی واحد تنیده شده است. آنان که می‌پنداشتند جامعه دیگر برای پرچم جان نمی‌دهد، با صحنه‌هایی مواجه شدند که در آن، متفاوت‌ترین اقشار اجتماعی با قاطعیت بر حاکمیت ایران بر شاه‌گر‌های حیاتی نظیر تنگه هرمز پای فشردند و خاکریز را به جولانگاه اراده خود بدل کردند.

■ **کیمیای غیرت و عهد؛ سبقت بانوان در میدان بازدارندگی**  
 یکی از درخشان‌ترین و عمیق‌ترین فرازهای پیام، اشاره به پیشتازی و شجاعت شگفت‌انگیز زنان در این آوردگاه ملی است: «روز‌هایی بود که عنصر دلبری مردمان این مرز و بوم، به مردانش شناخته می‌شد اما اینک در روزهایی هستیم که بانوان در بعضی عرصه‌های حضور دلیرانه، از مردان سبقت می‌گیرند».

این عبارت، متضمن یک انقلاب تحلیلی و پاسخی قاطع به سال‌ها سرمایه‌گذاری شناختی دشمن بر گسل جنسیت است. دشمن با هزینه‌کردهای کلان رسانه‌ای کوشیده بود زن ایرانی را نماد طغیان علیه ساختار دینی، بی‌تفاوتی به خاکریز جهاد و مظهر مصرف‌زدگی غربی بازنمایی کند اما در میدان

#### از وزارت جنگ تا برهوش

چالش اصلی صرفا «قدرت هوش» نیست، بلکه «حوه حکمرانی بر قدرت هوش» است.

از این منظر، می‌توان یک سناریوی آینده‌پژوهانه را ترسیم کرد: در گام نخست، «برهوش» به عنوان یک تعبیر مثبت و پیشرفت‌گرا جامی‌افتد، در گام دوم، این تعبیر به مبنای گسترش سرمایه‌گذاری و ادغام سامانه‌های هوشمند در دولت تبدیل می‌شود، در گام سوم، خدمات و تصمیمات روزمره به زیرساخت‌های هوشمند وابسته می‌شود و در گام چهارم، انباشت داده، توان پیش‌بینی و خودکارسازی تصمیمات می‌تواند به تمرکز بی‌سابقه قدرت در دست دولت‌ها و شرکت‌های دارنده زیرساخت‌های محاسباتی منجر شود. در این سناریو، مساله «سلطه هوش مصنوعی» نه از طریق شورش ماشین‌ها، بلکه از طریق «عادی‌سازی وابستگی انسان به سامانه‌های هوشمند» رخ می‌دهد.

بنابراین هم‌ترازی میان «وزارت جنگ» و «برهوش» را باید در سطح عمیق‌تری دنبال کرد: هر دو مفهوم، ظرفیت تبدیل یک قابلیت به «منطق سلط» را دارند. همان‌گونه که تغییر نام وزارت دفاع می‌تواند گفتمان سازمانی را از بازدارندگی به سمت تهاجم و جنگ‌آوری متمایل کند – که کرد – تغییر نام هوش مصنوعی نیز می‌تواند ذهنیت سیاست‌گذار را از «فناوری مورد استفاده انسان» به «مرجع برتر برای حل مساله و تصمیم‌سازی» منتقل کند. در وضعیت دوم، مخاطره اصلی آن است که انسان به تدریج از «فاعل تصمیم» به «موضوع تصمیم» تبدیل شود.

واقعیت، زن ایرانی نشان داد وارث تاریخی مادران حماسه‌ساز و مربیان دلاوران دفاع مقدس است. زنان نه‌تنها پشتیبانان عاطفی جبهه‌ها باقی ماندند، بلکه خود به لکوموتیو حرکت ملی، کششگران خط‌شکن در سازماندهی مقاومت مردمی و آفرینندگان شجاعت اجتماعی تبدیل شدند. زنی که دشمن روی برانث او از شعائر ملی حساب کرده بود، امروز خود در پیشانی مطالبه انتقام سخت و تسلیم‌ناپذیری ایستاده است. این تحول بنیادین نشان داد زن مسلمان ایرانی، مفهوم «زادی و کرامت» را نه در سرسپردگی به الگوهای استعماری، بلکه در استواری پای استقلال وطن و نفی تحقیر تاریخی بازتعریف کرده است.

■ **تکثر در فرم، وحدت در معنا؛ پادشکندگی هویت ما**  
 پروژه دشمن این بود که رنگین‌کمان هویتی ایران (اقوام، زبان‌ها، طبقات و مذاهب) را به گسل‌های زلزله‌خیز تبدیل کند؛ تلاش‌ی فرسایشی برای آنکه لر، ترک، کرد، بلوچ، عرب، فارس و ترکمن روبه‌روی یکدیگر یا روبه‌روی حاکمیت قرار گیرند اما ناگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، سراسر ایران با تنوع بی‌بدیل قومی‌اش، به میدانگاه دفاع مسلحانه و شرافتمندانه تبدیل شده است.

این پدیده، تجلی مفهوم علمی «پادشکندگی» در بستر جامعه‌شناسی است. سیستم‌های عادی بر اثر فشار و ضربه خرد می‌شوند، سیستم‌های مقاوم تنها آسیب را تحمل می‌کنند اما سیستم‌های پادشکننده از خود ضربه برای قوی‌تر شدن و تکامل بهره می‌برند. جامعه ایران یک سیستم پادشکندده است. تجاوز خارجی، فشار محاصره و تهدید به نابودی شریان‌های اقتصاد، نه‌تنها این پیکره را چندپاره نکرد، بلکه اقوام گوناگون را با یک درک اگر بی‌ستانسیال و حیاتی به هم پیوند داد؛ اینکه سرنوشت همه ما به این خیمه، به این پرچم و به این خاک گره خورده است. تفاوت‌های ظاهری در این کارزار، رنگ باخت و آنچه باقی ماند، جوهر صیقل‌خورده غیرت ملی بود که اجازه نداد خلیج



فارس، دریای عمان و تنگه هرمز جولانگاه مجدد چکمه‌پوشان غربی شود. حضور ۲۰ میلیون ایرانی در سپیده ایثار و ایستادگی ۷ ماهه اقبال گوناگون جامعه در خیابان‌ها و میداين کشور، پیامی تکان‌دهنده به ۲ مخاطب ارسال می‌کند.

نخست، به دشمن غاصب و حامیان مستکبرش: محاسبات خود را به زباله‌دان بیندازد. شما در ایران با یک دولت منزوی یا یک ساختار نظامی محصور در یادگان‌ها طرف نیستید؛ شما با یک «ملت – تاریخ» روبه‌رو هستید که ریشه‌هایش در اعماق خاکستر قرون تنیده شده و هر بار دشمن قصد تحقیر آن را داشته، قفتوس‌وار از دل آش سر برآورده است. این سدا اجتماعی، غیرقابل تسخیر است، زیرا شهادت‌طلبی در آن نه یک بخشنامه، بلکه یک میثاق جمعی است.

دوم، به مدیران، کارگزاران و بدنه حکمرانی در داخل کشور: این جامعه شگفتی آفرین که در لحظه خطر، تمام دلخوری‌ها و دشواری‌های معیشتی را پس می‌زند و سینه خود را آماج تهدیدهای سنگین قرار می‌دهد، شایسته بالاترین تعظیم‌ها، عادلانه‌ترین خدمات‌ها و بیشترین فداکاری‌هاست. پاسخ این وفاداری افسانه‌ای، تلاش شبانه‌روزی برای گره‌گشایی اقتصادی، مهار شکاف‌های طبقاتی، طرد تفکرات تک‌نور، تک‌ایک ضد‌مستضعفان و پایبندی تمام‌عیار به عهد با امامان انقلاب است.

پدیدارشناسی این بسیج باشکوه اثبات کرد پیوند ملت و حاکمیت در جمهوری اسلامی، بر پایه‌های مادی و شکننده استوار نیست؛ این پیوند، ریشه در الهیات ولایت، غیرت باستانی سرزمینی و خون‌های پاکي دارد که از عاشورا تا امروز جاری است. جامعه ایرانی بار دیگر ثابت کرد هیچ‌گاه به روزهای تاریک ذلت و دستپوش بودن در برابر سفارتخانه‌ها باز نخواهد گشت. آینده از آن این همبستگی شکوهمند است، چرا که سایه پرواز این قفتوس، اینک بر تمام خواب‌های آشفته سلطه‌گران سنگینی می‌کند.

اگر توسعه «برهوش» با تابشست بی‌سابقه داده، گسترش نظارت، وابستگی روزافزون انسان به الگوریتم‌ها و تمرکز قدرت شناختی در دست تعداد محدودی از دولت‌ها و شرکت‌های فناور همراه شود، دیگر نمی‌توان با اطمینان پذیرفت هدف نهایی صرفا تسهیل زندگی انسان است. آیا ممکن است پشت ادبیات فریبنده پیشرفت، بهره‌وری و نجات بشر، پروژه‌ای برای ایجاد انسانی هر چه وابسته‌تر، قابل پیش‌بینی‌تر و قابل کنترل‌تر در حال شکل‌گیری باشد؟ آیا رؤیای «برهوش» در صورت فقدان مهارهای اخلاقی و حقوقی، به کابوس «انسان زیردست» منتهی نخواهد شد؟ شاید تاریخ آینده نشان دهد نقطه‌خطر ناک، لحظه‌ای نیست که ماشین از انسان باهوش‌تر می‌شود، بلکه لحظه‌ای است که انسان به برتری ماشین عادت و اختیار خود را داوطلبانه به آن واگذار می‌کند. در چنین سناریویی، واکنش ممکن است نه سکوت و انقیاد، بلکه نوعی «شورش انسانیّت» علیه سلطه الگوریتمی باشد؛ مقاومتی برای بازپس‌گیری حق انسان بر تصمیم، اراده، حریم خصوصی و آینده خویش.

بنابراین هنوز باید با دیده تردید به وعده‌های شوم کسانی نگریست که مدعی‌اند می‌توانند آینده بشر را با ساختن هوشی فراتر از انسان «تجات» دهند، زیرا پرسش اصلی همچنان بی‌پاسخ است: چه تضمینی وجود دارد سازندگان «برهوش» یا «هوش برتر»، در نهایت سازندگان «ابربردگی» یا «بردگی برتر» نباشند؟!

در شبکه‌های اجتماعی

@vatanemrooz

